**این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.**

سبوی دوست

## نظر بلند باشیم

آیت‌الله فاطمی‌نیا:
امام جواد(ع) امام معصوم و متصل به غیب هستند و دریایی از علم. امام جواد(ع) می‌فرمایند: «القَصدُ إلَی اللهِ تعالی بِالقُلُوبِ، أبلَغُ مِن إتعابِ الجَوارِحِ بِالأعمالِ؛ به دل آهنگ خدا داشتن برتر است تا خسته کردن جوارح به عبادت». امام جواد(ع) در این حدیث نمی‌خواهند زیر آب نوافل و مستحبات را بزنند. اینها خودشان آن‌قدر عبادت می‌کردند که حد ندارد. امام سجاد(ع) که به واسطه عباداتشان زین‌العابدین نام گرفتند می‌گفتند چه کسی قدرت عبادت علی(ع) را دارد؟! امام جواد(ع) می‌خواهند بگویند با باطن کارها را انجام بده و این زودتر از به زحمت انداختن جوارح تو را به خدا می‌رساند. مثلاً شب تا صبح به نماز ایستاده‌ای و نماز خوانده‌ای و صبح آمده‌ای دیدی همسایه ماشینش را عوض کرده و پیش خودت می‌گویی از کجا آورده ماشین خریده است؟! تمام نمازت ضایع شد. نظر کوتاهی در این مکتب خریدار ندارد، باید نظر بلند باشیم.
**منبع:** کانال تلگرامی در محضر استاد فاطمی‌نیا

## سایپا مجوز افزایش قیمت گرفت!

مرتضی قربانی، از کاربران شبکه‌های اجتماعی، با اشاره به خبر افزایش قیمت رسمی محصولات سایپا، در توئیتر نوشت: دیگه کار به جایی رسیده یه بار غیرقانونی گرون میکنن، بعد رو قیمت غیرقانونی مجوز قانونی میدن، دوباره گرون میکنن بعد دلالا دوباره غیرقانونی گرون تر میکنن، بعد اینا دوباره رو قیمت دلالا اصلاحیه میزنن قیمتارو قانونی گرون میکنن، بعد....

## زمان انتظار صدور کارت سوخت به ۴ ماه رسید!

کانال خبری میز نفت نوشت: در حالی که در نیمه دوم سال گذشته (پس از آغاز سهمیه‌بندی بنزین) زمان صدور کارت سوخت المثنی به طور متوسط به ۴۰ روز رسیده‌بود، در نیمه نخست سال جاری این زمان به طور قابل توجهی افزایش‌یافته، به طوری که گزارش‌های مردمی به خبرگزاری تسنیم حاکی از این است که زمان انتظار برای صدور کارت‌های المثنی سوخت به بیش از چهار ماه رسیده‌است. بررسی‌های تسنیم نشان می‌دهد که‌اکنون کارت سوخت افرادی که در فروردین ماه اقدام به ثبت درخواست کارت سوخت المثنی کرده‌اند، صادر شده و در مرحله توزیع قرار گرفته و این مسئله نشان می‌دهد مدت زمان انتظار برای صدور کارت سوخت المثنی به حداقل چهار ماه رسیده‌است. اگر چه مسائلی چون کرونا و تراشه‌های وارداتی کارت سوخت در طولانی شدن صدور کارت‌های سوخت المثنی تأثیرگذار بوده،اما با توجه به فاصله ۱۵۰۰ تومانی خرید هر لیتر بنزین آزاد با قیمت هر لیتر بنزین سهمیه‌ای، متقاضیان صدور کارت‌های سوخت المثنی به دلیل بیش از دو برابر شدن مدت زمان انتظار، از دولت گلایه‌مند هستند.

## نهادی با ۱۰۰۰ ملک خالی!

علی قلهکی توئیت کرد: وزارت راه اعلام کرده است: «۱۰۰۰ خانه خالی متعلق به یک نهاد را شناسایی کرده‌ایم». اگرچه مشکل مسکن و اجاره‌بها با ۱۰۰۰ خانه حل نمی‌شود ولی جا دارد مجموعه‌های نظارتی چنین نهادی را که در شرایط ویژه کشور، ۱۰۰۰ ملک خود را خالی نگه داشته، به افکار عمومی معرفی کنند. فارغ از تعارفات!

## رشیدپور نبود، لوئی چهاردهم بود!

زهراسادات موسوی توئیت کرد: اون‌قدری که رضا رشیدپور طلبکار گندکاری‌های دولت است والا ما انقلابی‌ها نیستیم! اونی هم که میکروفون رو تا لوزالمعده‌اش فروکرده بود و تو استادیوم داد می‌زد: «غوغای روحانی نگر» لویی چهاردهم بود!

حمیدرضا نیک‌عهد | جوان

### حمایت کاربران شبکه‌های اجتماعی از تشکیل کمیسیون خانواده

# کمیسیون خانواده اولین خط دفاعی مقابل تهاجم فرهنگی خواهد بود

**کاربران شبکه‌های اجتماعی در توئیتر با راه انداختن هشتگ #کمیسیون_خانواده از فقدان این کمیسیون ابراز نگرانی کردند و از نمایندگان مجلس یازدهم خواستند هر چه زودتر مقدمات تشکیل این کمیسیون را فراهم کنند. کاربران مسئله خانواده را اصلی‌ترین مسئله فرهنگی در کشور خواندند که اصلاح و سامان آن حلال بسیاری از مشکلات فرهنگی و اجتماعی خواهد بود و کلید این اصلاح و سامان را در تشکیل کمیسیون خانواده در مجلس دانستند. فعالان رسانه‌ای با اشاره به معضلات خانوادگی و اجتماعی نظیر آمار بالای جوانان مجرد، طلاق و... تأکید کردند که هر چه سریع‌تر باید این کمیسیون در مجلس تشکیل و اولویت کاری خود را ریل‌گذاری در این خصوص قرار دهد. این مطالبه از سوی نمایندگان مجلس فعال در توئیتر مورد توجه قرار گرفت. در ادامه برخی از توئیت‌های کاربران را در این خصوص بخوانید.**

**مهدی خرامان:**
به‌نظرم مجلس قوه عاقله حکومته، که چند سال گذشته استراحت کرده، حالا این دوره هر قدرم قوی باشه، باید اولویت‌بندی و متمرکز کار کنه، اوضاع ۲۶ میلیون خانواده و حدود ۱۳ میلیون مجرد نابسامانه، شاید تشکیل کمیسیون خانواده بتونه دوباره نقش این قوه عاقله رو احیا کنه!

**علی رنجبر:**
وقتی ریشه بسیاری از مشکلات در جامعه رو نگاه می‌کنیم به خانواده می‌رسیم؛ خانواده اولین و مهم‌ترین مرکز شکل‌گیری شخصیت هر انسانه. نهاد خانواده در مجلس متولیانی میخواد که پیگیر وضع قوانین مناسب و نظارت بر اجرا باشن؛ امری که با تشکیل کمیسیون خانواده به شرط عملکرد صحیح محقق میشه.

**امیر نجفی:**
اصل ۱۰ قانون اساسی میگه همه قوانین باید با محوریت «خانواده» نوشته بشن و به نفع خانواده‌ها باشن. اما در واقعیت تو هیچ قانونی این موضوع رعایت نمیشه و کلاً خانواده هیچ جایگاهی تو قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های مسئولان نداره. برای همین نیازمند تشکیل کمیسیون خانواده در مجلس هستیم.

**پدرام کاویان:**
خانواده، مرز تمدنی ما در برابر غرب و تشکیل کمیسیون خانواده آرایش اولین خط دفاعی در مقابل تهاجم چندین ساله غرب است.

**سیدامیرحسین قاضی‌زاده:**
۱۲ میلیون جوان بلاتکلیف در سن ازدواج که ۱/۵ میلیون آنها در آستانه تجرد قطعی هستند، حدود ۱۷۰ هزار طلاق سالانه، ۳/۵ میلیون زوج نابارور، آمار بالای کودک‌کُشی یا #سقط_جنین و... با تشکیل کمیسیون خانواده موافقم. مسئله همه‌جانبه خانواده به اضطرار رسیده و باید به صورت فوق‌العاده به آن بپردازیم.

**سیده‌زهرا حسینی:**
یکی از فوریت‌های امروز جامعه تعیین تکلیف ۱۱ میلیون مجرد در آستانه ازدواج است که با وضعیت فعلی شرایط سختی برای ازدواج دارن. قانون تسهیل ازدواج سال‌هاست که خاک میخوره و اجرایی نمیشه چرا؟ چون خانواده هیچ متولی نداره تا مشکلاتش رو پیگیری کنه...

**پیکارجو:**
همیشه هم لازم نیست برای افزایش جمعیت هزینه‌های کلان کرد؛ خیلی جاها عدم نظارت باعث شده قوانین ضدجمعیت وضع بشه یا قوانین موجود اجرا نشه؛ این نقش نظارت رو کمیسیون خانواده باید به عهده بگیره.

**محمد پاداش:**
خانواده و نقش آن در جوامع بشری، مسئله چالش‌برانگیز قرن جاری است. جوامع غربی هم تلاش کرده‌اند تا هرچقدر که شده، از اعتبار خانواده بکاهند. اقدام به موقع مجلس در به رأی گذاشتن کمیسیون خانواده پله اول حل شدن معضلاتی نظیر بیمه ناباروری و امنیت شغلی زنان باردار است. از آن حمایت می‌کنیم.

**زینب شریفی:**
تشکیل کمیسیون خانواده به این معناست که تمام موضوعات مطرح در مجلس با خط‌کشی به نام خانواده بررسی شوند. اگر در این بررسی‌ها خانواده ملاک نباشد، نتیجه آن سست شدن بنیاد مهم‌ترین پایه‌های یک کشور خواهد بود. هر چند تشکیل کمیسیون آغازی برای این راه است و برنامه‌ریزی‌های دقیقی نیز می‌طلبد.

گزارش

## سریال‌های کمدی چه تصویری از پدر ارائه می‌کنند؟

کانال تلگرامی ترجمان یادداشتی را از «اریکا شارر» که در رسانه «Conversation» منتشر و به همت «مهدی صادقی» به فارسی برگردانده شده است، به اشتراک گذاشت. در این یادداشت می‌خوانیم: به چند فیلم و سریالی کمدی‌ای که اخیراً دیده‌اید فکر کنید و نقشِ پدرها را در آنها به یاد بیاورید. تصویر رایجی که احتمالاً به ذهنتان می‌آید چنین چیزی است: آدمی بی‌کفایت، احمق، با رفتارهای بچگانه، نصیحت‌های بی‌ثمر و وسواس‌های خنده‌دار. کسی که از مدیریت زندگی‌اش عاجز است و همه از دستش عذاب می‌کشند. تحقیقی جدید نشان می‌دهد در کمدی‌های امروزی پدرها بیش از همیشه مسخره می‌شوند، در حالی که در واقعیت بیشتر از همیشه برای خانواده‌هایشان وقت می‌گذارند. چرا؟... من در رشته جنسیت و رسانه تحصیل می‌کنم و تخصصم دربارهٔ نحوهٔ نمایش مردانگی است. به‌تازگی با همکارم تحقیقی انجام داده‌ایم؛ در این تحقیق به شکلی نظام‌مند خطوطی را دنبال کردیم که نشان می‌داد آیا تصویر پدر در سریال‌های کمدی تغییر کرده است یا نه؟

**چرا شخصیت‌های سریال‌های کمدی مهم‌هستند؟**
برنامه‌های تخیلی می‌توانند دیدگاه ما دربارهٔ خودمان و دیگران را شکل دهند. از آن‌جا که سریال‌های کمدی باید مورد پسند طیف انبوهی از مخاطبان قرار بگیرند، معمولاً در آنها از پیش‌فرض‌های دم‌دستی‌ای استفاده می‌شود که اساس کلیشه‌های رایجند. طنزآمیزی سریال‌های کمدی اغلب ناشی از هنجارها و انتظارات ثابتی است که با جنسیت، هویت جنسی و طبقه مرتبط هستند... در کلیشه‌هایی که سریال‌های کمدی از پدران به‌نمایش می‌کشند، چنین به‌نظر می‌رسد که گویی مردان به طور ذاتی مناسب فرزندداری نیستند. در نتیجه پدران واقعی نادیده گرفته می‌شوند، همچنین در خانواده‌هایی که پدر و مادر هر دو حضور دارند، این ایده را تقویت می‌کند که مادران باید سهم بیشتری در فرزندپروری برعهده بگیرند... اولین تحقیق کمّی‌ام در زمینه بازنمایی پدر در سریال‌های کمدی را در سال ۲۰۰۱ منتشر کردم. این تحقیق بر جُک‌هایی متمرکز بود که حول پدرها ساخته می‌شد. در این تحقیق متوجه شدم که پدر در سریال‌های کمدیِ جدیدتر، در مقایسه با سریال‌های کمدیِ قدیمی‌تر، بیشتر موضوع شوخی و خنده قرار گرفته است. در سوی دیگر ماجرا؛ هرچه جلوتر آمده‌ایم مادرها کمتر مورد تمسخر قرار گرفته‌اند. من این نکته را شاهدی می‌دانم بر اینکه تصویر فمینیستی زنان هرروز پررنگ‌تر شده؛ همچنین این تصویر با حضور بیشتر آنها در میدانِ کار همزمانی پیدا کرده است.

**پژوهشی دربارهٔ پدر تحقیرشده**
در پژوهشی که به تازگی در مورد سریال‌های کمدی انجام دادیم، قصدمان این بود که رابطهٔ پدر و فرزندان را بررسی کنیم. در واقع می‌خواستیم نشان دهیم پدر بودن در فرهنگ امریکایی چگونه تغییر کرده است... ما در تحقیقمان ۳۴ سریال کمدی برتر با محوریت خانواده را شناسایی کردیم. این سریال‌ها از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۷ روی آنتن رفته بودند؛ به طور تصادفی از هر کدام دو قسمت انتخاب کردیم. در آخر به ۵۷۸ صحنه رسیدیم که در آنها پدر موضوع شوخی‌های تحقیرآمیز قرار گرفته بود؛ به این معنا که یا پدرها کسی را دست می‌انداختند، یا فرد دیگری پدرها را دست می‌انداخت. سپس به تعداد دفعاتی پرداختیم که در آنها پدران کنار فرزندانشان بودند؛ در این تعاملات باید سه نوع کلیدی از رابطه پدر-فرزندی وجود می‌داشت: نصیحت کردن، خط و نشان کشیدن و تربیت رفتاری؛ خواه نهی‌کننده باشد، خواه امرکننده. در اینجا قصدمان این بود که بفهمیم آیا این سنخ تعامل باعث می‌شود که پدران موجوداتی ابله و خنده‌دار به‌نظر برسند یا نه؛ مثلاً پدرانی که در تصمیم‌گیری ضعیف جلوه می‌کنند یا بی‌لیاقتند و کودکانه رفتار می‌کنند. به نحو شگفت‌انگیزی مشاهده کردیم که در سریال‌های کمدی اخیر پدران کمتر در مقام سرپرست ظاهر شده‌اند؛ همچنین در سریال‌های کمدی‌ای که از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ ساخته شده‌اند آنجایی که پدرها در مقام سرپرست بوده‌اند در ۵۰ درصد موارد آدم‌هایی ابله و خنده‌دار نمایش داده شده‌اند؛ این در حالی است که این عدد در سریال‌های کمدی دهۀ ۹۰ میلادی ۳۱ درصد و در سریال‌های کمدی دهه ۸۰ میلادی ۱۸ درصد بوده است. حداقل در صحنه‌هایی که در آن شوخی‌های تمسخرآمیز وجود دارد، مخاطبان سریال‌های کمدی هنوز هم ترغیب می‌شوند تا به پدرانی بخندند که وظیفهٔ سرپرستی خود را ناشیانه و نابلدانه انجام می‌دهند.

**تزریق حس خودکم‌بینی؟**
اینکه رسانه‌های سرگرم‌کننده چقدر واقعیت را درست بازتاب می‌دهند یا آن را دستکاری می‌کنند، سؤالی است که همیشه در رشتهٔ ارتباطات و مطالعات رسانه مطرح بوده است. برای پاسخ به این سؤال لازم است که نگاهی به داده‌های زیر بیندازیم. نظرسنجی‌های ملی‌ای که توسط مرکز تحقیقاتی پیو صورت گرفته نشان می‌دهد که از سال ۱۹۶۵ تا سال ۲۰۱۶، مقدار زمانی که پدران به فرزندانشان اختصاص داده‌اند تقریباً دوبرابر شده است. امروزه پدران ۱۷ درصد از جمعیت والدین خانه‌دار را تشکیل می‌دهند، لازم به ذکر است این عدد در سال ۱۹۸۹ تنها ۱۰ درصد بوده است. امروزه پدران تقریباً همانند مادران معتقدند والد بودن نقشی بسیار اساسی در هویتشان دارد. آنها همچنین والد بودن را نوعی موهبت برمی‌شمارند. با این حال شواهدی در میان داده‌های پیو وجود دارد که نشان می‌دهد این تغییرات چالش‌هایی را نیز ایجاد کرده است. اکثر پدران احساس می‌کنند که زمان کافی برای فرزندانشان اختصاص نمی‌دهند و دلیل اصلی‌اش را هم اغلب مسئولیت‌های شغلی ذکر می‌کنند. تنها ۳۹ درصد پدران احساس می‌کنند که در پرورش فرزندانشان موفق عمل کرده‌اند. احتمال دارد محتوای سریال‌های کمدی، که در آنها پدر آدم ابله و بازنده‌ای است، این حس خودانتقادی را تقویت کرده باشد... به هر صورت از آن‌جا که تصاویر تلویزیونی هرگز نخواهند توانست گستره و پیچیدگیِ پدر بودن را به تصویر بکشند، حداقل نویسندگان سریال‌های کمدی این امکان را دارند که بهتر عمل کنند و از استعارهٔ پدر ابله، که هرروز بیشتر از مد می‌افتد، فراتر بروند.

پاورقی «جوان» از «اتاق حوادث» جان بولتون
۲۱
ترجمه: محمدصادق عبداللهی

## همه برای یک حمله تلافی‌جویانه به ایران متفق‌القول بودیم!

خبر پرسروصداتر آن روز این بود که شاناهان از کاندیداتوری وزارت دفاع عقب کشید. مشکلات خانوادگی مربوط به همسر سابقش مجدد بروز کرده بود. ترامپ تقریباً بلافاصله تصمیم گرفت که مارک اسپر، همکلاسی سابق پمپئو در ویست پوینت (آکادمی نظام ایالات متحده)، را برای این جایگاه نامزد کند. به همین جهت بلافاصله از دفتر ریاست جمهوری با او تماس گرفتند و او را فراخواندند. به دفتر خودم برگشتم و با اسپر تماس گرفتم تا به او تبریک بگویم. عصر روز بعد اسپر به کاخ سفید آمد تا با ترامپ عکس بگیرد. در حالی که منتظر ملاقات ترامپ و عکسبرداری بود، مقدمتاً با او درباره بحران ایران صحبت کردم. پس از مراسم، در حالی که من و اسپر قدم‌زنان به سوی دفتر من می‌رفتیم با او تماس گرفتند و خبر زدن یکی از نیروگاه‌های آب‌شیرین‌کن سعودی از سوی حوثی‌ها را دادند. اسپر فوراً به سمت پنتاگون رفت و من با دانفور که هنوز خبر حمله را نشنیده بود، تماس گرفتم.
ساعت ۶:۲۰ عصر قدم‌زنان به دفتر ریاست جمهوری رفتم تا با ترامپ صحبت کنم. او گفت اگر نیاز است هر چه زودتر جلسه‌ای تشکیل شود تا به جمع‌بندی برسیم که چه باید کرد. من نگران بودم چراکه ممکن بود گزارش‌هایی که می‌رسید اشتباه یا غلوآمیز باشند، بنابراین گفتم باید تا پنج‌شنبه منتظر بمانیم و بعد تصمیم‌گیری کنیم. با پمپئو و دانفور تماس گرفتم تا به هر دوی آنها بگویم که می‌توانیم فردا کمیته را تشکیل دهیم. در حالی که فکر می‌کردیم حمله به نیروگاه آب‌شیرین‌کن سعودی خبر خیلی بزرگی است، خبر دیگری را اتاق وضعیت در ساعت ۹ شب به من داد که بسیار بزرگ‌تر از آن بود. ایران یک هواپیمای بدون سرنشین دیگر امریکایی را زده بود! این دومین بار در کمتر از دو هفته گذشته بود که ایرانی‌ها به اهداف امریکایی حمله می‌کردند. این بار یک پهپاد RQ-4A گلوبال هاوک روی تنگه هرمز مورد اصابت قرار گرفته بود. جلسه صبحانه هفتگی با شاناهان و پمپئو از قبل برای صبح پنج‌شنبه هماهنگ شده بود و اسپر و دانفور هم پس از حمله به نیروگاه آب‌شیرین‌کن سعودی به آن اضافه شده بودند، بنابراین شرایط مهیا بود تا در این خصوص رایزنی کنیم. ما صبح روز بعد، ۲۰ ژوئن، ساعت ۷ صبح در اتاق وضعیت تشکیل جلسه دادیم. دانفور در ابتدا گزارشی از درخواست سعودی‌ها ارائه کرد. آنها از فرانک مک‌کنزی فرمانده ستاد فرماندهی مرکزی خواسته بودند تیمی را به عربستان بفرستد تا میزان خسارت وارد شده به نیروگاه آب‌شیرین‌کن و اسلحه‌های استفاده شده در این حمله را ارزیابی کند. ما موافقت کردیم که یک افسر دفتر فرماندهی مرکزی باید هرچه زودتر توضیحاتی عمومی ارائه کند تا بتوانیم گستره این حمله را به دست آوریم.
از این مهم‌تر واکنش دانفور به هدف قرار گرفتن پهپاد گلوبال هاوک بود. او شرح داد این حادثه، که در رسانه‌ها تخمین می‌زدند حدود ۱۲۰ تا ۱۵۰ میلیون دلار به امریکا خسارت زده است، از نظر کیفی با تمامی حملات فراوانی که در چند ماه گذشته به ما شده بود و ما جواب نداده بودیم متفاوت است. اگر چه به نظر می‌رسید این هواپیما در منطقه‌ای از آب‌های ایران پرواز می‌کرده و ایران به همین دلیل متوجه آن شده اما دانفور کاملاً مطمئن بود که هواپیمای نظارتی قابل کنترل ما در مرزهای بین‌المللی در حال پرواز بوده است. دانفور پیشنهاد داد ما سه موقعیت را در ساحل ایران مورد هدف قرار دهیم. این سه موقعیت اگر چه مستقیماً درگیر هدف قرار دادن گلوبال هاوک نبودند اما به هر حال به نوعی با آن مرتبط بودند. یکی از نکات کلیدی او این بود که پاسخ «متناسب» با کار ایران است اما از طرفی تحریک‌کننده ایرانی‌ها برای یک کار بیشتر نیست و دقیقاً به همین دلیل من فکر می‌کردم که باید پاسخ بزرگ‌تری به ایران بدهیم تا بازدارنده باشد. پیشنهاد دادم گزینه‌های دیگری را به لیست پیشنهادی‌ای که قرار بود در جلسه‌ای با حضور ترامپ بحث شود اضافه کنیم. مدتی بر سر گزینه‌های پیشنهادی صحبت کردیم. همه برای یک حمله تلافی‌جویانه متفق‌القول بودیم فقط من و پمپئو به گزینه‌های جدی‌تری نسبت به دانفور و شاناهان فکر می‌کردیم. اسپر که هنوز تازه‌وارد بود بیشتر سکوت می‌کرد. در نهایت ما برای نابود کردن سه پایگاه ایران و چندین هدف دیگر توافق کردیم. من گفتم برای اینکه مطمئن باشم که همه با هم توافق داریم، تصمیم دارم به ترامپ بگویم همه مشاوران او در این پیشنهاد هم‌نظر هستند. این اتفاق خوبی برای یک رئیس جمهور است. اگر او بسته پیشنهادی ما را بپذیرد، وقتی تصمیم نهایی خود را اعلام کند، هیچ‌کس نمی‌تواند به او بگوید که در برابر ایران واداده یا سختگیری کرده است و فرصتی برای رسانه‌ها جهت افشای اختلاف میان مشاوران ترامپ باقی نمی‌ماند و هیچ روزنامه‌ای نمی‌تواند بگوید دانفور یا فرد دیگری با تصمیم ترامپ مخالف بوده است چراکه همه متوجه خواهند شد این یک تصمیم مشترک بوده است که همه بر آن اجماع داشته‌اند.

## سامانه درمانی دولت!

دکتر امیر ناظمی در کانال تلگرامی خود نوشت: تقریباً روزی نیست که یک سامانه دولتی سبز نشود! سامانه‌ها این روزها مهم‌ترین علاقه‌مندی مدیران دولتی شده است؛ البته بعد از اپلیکیشن!

**آینده سامانه‌ها**
سامانه‌ها اما شوق‌شان تا روز افتتاح است. روز بعد از افتتاح معمولاً سرویس پاسخ‌دهی ندارند؛ گاهی اوقات از دسترس خارج می‌شوند و نهایتاً یک روز یک هکر بخشی از داده‌های شهروندان را برای فروش می‌گذارد! سامانه‌ها البته مهم‌ترین خروجی مدیران و سیاستگذاران در این روزها شده است. تقریباً هیچ آیین‌نامه‌ای نیست که در دولت یا مجلس یا انبوه شوراهای عالی تصویب شود و در آن در ماده‌ای یا بندی سازمانی موظف نشده باشد برای ایجاد و توسعه یک سامانه! این سامانه‌ها اما به مرور یا مرجع درگیری‌های بین‌دستگاهی می‌شود یا منشأ اتلاف منابع عمومی!

**ذهن‌های سامانه‌ساز!**
این شیفتگی به سامانه‌ها اما برآمده از پیش‌فرض‌های خطرناکی است؛ پیش‌فرض‌های مهندسی برای حل مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی! مهندسی‌زدگی در مدیریت و سیاستگذاری ایرانی ناشی از همین ساده‌اندیشی است: می‌توان با راه‌حل‌های فنی به حل مسائل اجتماعی برخاست؛ همان چیزی که در ادبیات موضوع به آن «حل مسئله فناورانه (Technological Fix)» یا «راه‌حل‌گرای (Solutionism)» می‌گویند.

**خاطره‌ای از یادگیری**
نخستین باری که با این مفهوم آشنا شدم، در کلاس درس مایکل کینان بود؛ چند مقاله روزنامه‌ای آورد سر کلاس در خصوص مشکل حل مسئله اسلحه در امریکا؛ آن روزها یک حادثه تیراندازی در یک مدرسه شده بود تیتر روزنامه‌ها. راه‌حل شرکت‌های اسلحه‌ساز روشی بود که در آن در انتهای هر گلوله شماره تفنگ توسط ماشه حک شود و بر اساس آن بتوان شلیک‌کننده را یافت. ما شیفته این راه‌حل شده بودیم؛ و بحث کلاسی آغاز شد. بعد او پرسید اگر تفنگ دزدیده شد چه؟ اگر شرکتی ابزار حک تقلبی بسازد چه؟ اگر گلوله‌ای تولید شود بدون امکان حک شماره چه؟ و... آن‌جا بود که تیر خلاص را زد: اگر مسئله‌ای اجتماعی یا سیاسی را بخواهید با فناوری و سامانه حل کنید؛ تنها وارد یک بازی ناتمام برای توسعه قفل و کلید می‌شوید؛ یک بازی بدون انتها! در حقیقت سامانه‌ها همیشه هم نمی‌توانند مسئله‌ها را حل کنند؛ بلکه تنها آنها را پیچیده‌تر و پیچیده‌تر می‌کنند؛ و نهایتاً به ما توهم حل مسئله را می‌دهند؛ همین! برای حل مسئله گاهی باید بی‌خیال همه این سامانه‌ها شد؛ اینها راه‌حل نیستند در بهترین حالت می‌توانند ابزار شفاف شدن و آشکار شدن مسئله باشند!

**حرف آخر**
این روزها به همه سامانه‌های دولتی بدبین هستم؛ و این پرسش: چرا این سامانه لازم است؟ چرا این سامانه می‌تواند راه‌حل ما باشد؟ آیا مسئله ما اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی است؟ اگر هست چرا انتظار داریم فناوری آن را حل کند؟ تعداد سامانه‌های دولتی به بیش از ۵هزار مورد رسیده است! به نظرم این سامانه‌های اندک بیش از ابزاری برای حل مسئله، ابزاری برای به تعویق انداختن مسئله هستند! ابزاری برای دستاوردسازی برای مدیران بی‌دستاورد! بسیاری از این سامانه‌ها به سادگی می‌توانند توسط سامانه‌های موجود نیز پاسخ داده شوند اما مدیر شیفته سامانه می‌خواهد سامانه خودش را داشته باشد! این سامانه‌ها که اغلب توسط غیرمتخصصین توسعه داده می‌شوند، پتانسیلی برای نقض حریم خصوصی هم هستند. هنگام حکم نوشتن برای سامانه‌ها یک بار دیگر سؤالات بالا را از خودمان بپرسیم! همیشه هم سامانه‌ها درمان مشکلات ما نیستند؛ سامانه‌درمانی حالا خطرناک است!